



نوشته: خوش نظر پامیر زاد

شور دورقمر

قسمت یکم

باخبر باش که ملک زیر خطر می بینم
صلح و جنگش همه را پر ز شرر می بینم
حالت زار وطن عصر حجر می بینم
ریشه صدق و صفا زیر تبر می بینم
"همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
این چه شوریست که در دورقمر می بینم"

فتنه سرخ و سفید است روان در همه جا
خودکش و قتل عام دادند فتوا
حکم طالب به اشرار شده است روا
همه جا زمزمه صلح کنندش برپا
اندرین خدعه چو نیرنگ دگر می بینم
این چه شوریست که در دورقمر می بینم"

یک طرف "حامد" و "عباس" دارند دعوا
صلح آویخته به گردن "زی ها"

یک طرف است ز "ع" و "غ" بلوا
این چنین صلح چو گویند رسوا
در میان حال "خلیلزاد" بتر می بینم
این چه شوربست که در دورقمر می بینم"

جمع گشته چو دور هم همه سیاسیون
آنچنان نشه که پرکیف تر از بنگ و افیون
طرح دادند به "زلمی" ز افراطیون
تا کند نقل حکومت به چال و افسون
همچو طرح را ز "حامد" به خبر می بینم
این چه شوربست که در دورقمر می بینم"

خواست "حامد" که کندباز آغاز از صفر
خواند طالب برادر شرانداز از صفر
بهر اغوای وطن ساز و آواز از صفر
بهانه صلح کند طرح فریب باز از صفر
این چنین صلح را رنگ دگر می بینم
این چه شوربست که در دورقمر می بینم"

شور دورقمر

قسمت دوم

این طرف تولی خاکباد ز جنگسالاران
آن گروهی که ز اشرف کردند تاوان
جمع گشتند و به مسکو شدند سرگردان
تا که پوتین و طالب کنند تضمین شان
رسم دمبک زدن از بد بتر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر می بینم"

روس و "ناپاک" چو عقد بار دگر
بسته اند بهر خرابی وطن باز کمر
بازی موش و پیشک است روان در دفع و جر
تا که امریکه کند خم به طالب خود سر
سرنوشت وطنم بر لب جر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر می بینم"

روس در دوستی بارها ریدست

میوه تلخ از آن خلق چیدست
"پاک" چون یک کتلت در آن افتیدست
تا که امریکه کند خم به طالب خود سر
زین زد و بند شان من نه ثمر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر میبینم"

خلق مظلوم چو بز در میدان
است و کش کردن بز است چالان
از شمال روس و ز مغرب ایران
این طرف کار کند فتنه ای از پاکستان
بر سر طالب و داعش اثر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر میبینم"

آن طرف تر چو دور از ابحار
دولت امریکه با طالب دارد سروکار
اشتهار دارد و هنگامه ز صلح است شعار
پشت پرده به قطر طالب بیند هر بار
از چنین وضع محب را به ضرر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر میبینم"

شور دورقمر

قسمت سوم

طالب اکنون کند اکت با داری ملک
خارج از ملک کند کار سرکاری ملک
گاه با این و گه با آن کند خرخواری ملک
تا کند بار دگر سخت چنوارای ملک
زین ته و بالای فریب ملک به سقر میبینم
"این چه شوربست که در دورقمر میبینم"

صدهزار کشته نیارد خم بر ابرو
خودکشش طفل و جوان و پیر از هر سو
قاتل خلق وطن آمده در گو مگو
گشته چشم سبز شمال برایش حقجو
این چنین دیده درایی به حضر می بینم
"این چه شوربست که در دورقمر میبینم"

آن یکی حق جهاد در مسکو
کرد تحفه به طالب چو باج و چون ساو
گوید از کار غنی گشته است بس پرتاو
هیچگاهی نکند خویش را کم از پاو
حس خودخواهی و تکبر به کرو فر میبینم
"این چه شوریست که در دورقمر میبینم"

آن یکی گوید با طالب ما داشتیم جنگ
ما فتادیم به جان هم همچون پلنگ
صلح خواهیم کنون هیچ نداریم درنگ
آنچنان صلح به گرگ آشتی باشد هم رنگ
از چنان صلح چو جنگ را به سفر میبینم
"این چه شوریست که در دورقمر میبینم"

خواست وان دیگرکش حق رهبران جهاد
پیش والادیمیر ایلیچ از آن زد فریاد
زان ز "ع" و ز "غ" باشند ناشاد
هر یکی شان که دارند مسلح افراد
نزد طالب همه را فتنه و شر می بینم
"این چه شوریست که در دورقمر میبینم"

۸ اپریل ۲۰۱۹